

## حدیث ثقلین و پژوهش قوام‌الدین محمد و شنوی<sup>۱</sup> درباره آن

کامیار صداقت ثمرحسینی\*

### چکیده

مقاله حاضر ابتدا با معرفی و تعریف «حدیث ثقلین» به اهمیت آن در اعتقادات شیعه و نیز در تقویت جریان تقریب میان مذاهب اسلامی می‌پردازد. حدیث ثقلین بیان‌گر اعتقاد شیعه به تحریف‌ناپذیری قرآن، عصمت ائمه (ع)، استمرار امامت، و زنده‌بودن امام زمان (عج) است. هم‌چنین این حدیث با خطابی جهان‌شمول جانشینان پیامبر اکرم (ص) و مرجعیت علمی اهل بیت رسول خدا (ص) را تبیین می‌کند. در این زمینه برخی مناقشات نیز مطرح است، از قبیل انحصار و جوب تمسک به قرآن با استفاده از حدیث صحیح مسلم و یا ترجیح احادیثی که اصطلاح عترت و اهل بیت پیامبر در آن‌ها نیامده است، که بدان‌ها اشاره می‌شود. سپس با توجه به اهمیت علمی و تاریخی حدیث الثقلین اثر قوام‌الدین محمد و شنوی قمی، به بررسی شیوه خاص و آموزنده او در بررسی اسناد و طرق روایی حدیث ثقلین می‌پردازیم و بر جایگاه مهم این کتاب در مناسبات تاریخی تقریب میان مذاهب اسلامی تأکید می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** اهل بیت، تقریب مذاهب اسلامی، حدیث ثقلین، دارالتقریب قاهره، قوام‌الدین و شنوی قمی.

### مقدمه

گفت‌وگو میان پیروان مذاهب اسلامی مستلزم رعایت برخی اصول و قواعد است. مثلاً گفت‌وگو باید برپایه حق، رعایت ادب، و اخلاق اسلامی باشد و طرفین گفت‌وگو نیز ملزم به استدلال به احادیث صحیح باشند و مهم‌تر این‌که معیار صحت روایت برای هر مذهب

\* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی kamyarsedaghat@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۹/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۱/۱۵

قواعد شناخته‌شده آن مذهب است. بنابراین، شیعه در استدلال به احادیث اهل سنت باید متکی بر قواعد و چهارچوب‌هایی باشد که از سوی اهل سنت پذیرفته شده‌اند (چنان‌که اهل سنت نیز در استدلال به روایات شیعه باید بر قواعد و اصول شناخته‌شده حدیث نزد شیعه متکی باشند). در غیر این صورت، گفت‌وگویی میانشان شکل نمی‌گیرد.

حدیث ثقلین از آن دسته روایاتی است که در گفت‌وگوهای تقریبی میان شیعه و اهل سنت جایگاه مهمی دارد و از طرف شیعه و اهل سنت به‌تواتر روایت شده است. بنابراین، شیعیان همواره با بهره‌گرفتن از اصول حدیث نزد اهل سنت به روایاتی نظیر حدیث ثقلین پرداخته‌اند. از دید شیعه، روایت صحیح منحصر به جوامع روایی شیعه نمی‌شود و بسیاری از روایات مذکور در کتاب‌های اهل سنت را نیز دربر می‌گیرد. حدیث ثقلین به روایت و شنوی قمری نمونه خوبی از مطالعات حدیثی است که موضع اعتقادی شیعه را با استناد به روایات و قواعد حدیثی اهل سنت بیان می‌کند و همین امر، علاوه بر آن‌که به اندیشه مشترک تقریبی می‌انجامد، موجب ارتقای شیعه‌شناسی اهل سنت می‌شود. مقاله حاضر با چنین رویکردی، براساس کتاب *حدیث الثقلین*، به بررسی حدیث شریف ثقلین در قالب موارد زیر می‌پردازد:

۱. معرفی حدیث ثقلین.
۲. علل اهمیت حدیث ثقلین.
۳. برخی از روایات شارح حدیث ثقلین.
۴. مناقشات درباره حدیث ثقلین.
۵. معرفی کتاب *حدیث الثقلین*.
۶. شیوه پژوهش و شنوی قمری.

### معرفی اخبار ثقلین

حدیث ثقلین به حدیثی اطلاق می‌شود که براساس آن پیامبر اکرم (ص) در مکان‌ها و مناسبت‌های گوناگون، در الفاظی گاه متفاوت ولی با مفهوم یک‌سان، قرآن و عترت خویش را دو یار همیشگی و جدایی‌ناپذیر از هم معرفی فرموده و تمسک به آن دو را موجب دوری از ضلالت و گمراهی دانسته است. مثلاً جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده است که پیامبر اکرم (ص) در روز عرفه و در حجة الوداع سوار بر شترش، که قصوی نام داشت، خطبه‌ای ایراد فرمود و او این سخنان را از آن خطبه شنیده است:

یا ایها الناس إني قد ترکت فيکم ما إن أخذتم به لن تضلوا، کتاب الله و عترتی اهل بیته: ای مردم، من در میان شما چیزی [دو یادگار گرانسنگ] برجای می‌گذارم که اگر به آن چنگ زنید، هرگز گمراه نخواهید شد، کتاب خدا و عترتم اهل بیتم (الألبانی، ۱۴۲۰: ۳/ ۵۴۲؛ ترمذی، ۱۹۹۶: ۶/ ۱۲۴).

براساس اسناد موجود پیامبر اکرم (ص) این روایت را بارها، به مناسبت‌های گوناگون، بیان کرده است. برخی از مهم‌ترین این مناسبت‌ها عبارت‌اند از: عرفات در حجة الوداع، مسجد خیف، غدیر خم در حجة الوداع، مسجد نبوی در زمان بیماری حضرت، و نیز در خانه حضرت در زمان بیماری که به رحلت ایشان انجامید (الحسینی، ۱۴۳۲: ۲۵-۲۷). از این رو، ده‌ها تن از صحابه رسول اکرم از روایان این حدیث شریف بوده‌اند (همان: ۴۱-۵۱؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۴: ۲/ ۶۱).

این روایت عمدتاً در ماه‌های پایانی عمر شریف رسول خدا تکرار شده است. فاصله میان ایراد روایت ثقلین در غدیر خم تا وفات ایشان حدود هفتاد روز است و تأکید پیامبر بر بیان آنچه موجب دوری امت از ضلالت می‌شود، حتی در آخرین روزهای حیاتشان دیده می‌شود، چنان‌که بخاری (۱۹۴-۲۵۶ق) در روایتی از صحیح خود آورده است که حضرت در بستر بیماری فرمود: «هلم اکتب لکم کتاباً لا تضلوا بعده» (قلم و دواتی) بیاورید تا چیزی برایتان بنویسم که پس از آن هیچ‌گاه گمراه نشوید» (بخاری، ۱۴۰۰: ۱/ ۵۷). در این جا عبارت «لا تضلوا بعده» با عبارات حدیث ثقلین، هم‌چون «لن تضلوا بعدی» و یا «ما لم تضلوا بعده» در بیان یک نکته است و قرآینی، هم‌چون الفاظ، حدیث ثقلین، و محدوده کوتاه زمانی نشان می‌دهد که احتمالاً مراد حضرت نگارش حدیث ثقلین بوده است.

### علل اهمیت حدیث ثقلین

حدیث ثقلین به علل زیر اهمیت بسیاری دارد:

۱. اجماع درباره صحت اسناد حدیث ثقلین: در درستی و صحت اسناد این حدیث میان شیعه و سنی اختلافی نیست. در هر گفت‌وگویی میان مذاهب اسلامی اختلاف می‌تواند در قالب اختلاف در صحت روایات و یا اختلاف در تفسیر آن‌ها پیش آید. در صورت اول اصل روایات مورد پذیرش طرفین نیست و از این رو گفت‌وگو درباره آن‌ها بی‌نتیجه است. اما در صورت دوم همگان مبنای بحث را پذیرفته‌اند و موضوع اصلی رسیدن به تفسیری صحیح از آن روایات است. درباره حدیث ثقلین باید گفت که اقوال معدود کسانی هم‌چون

ابن جوزی (۵۱۰-۵۹۷ق)، که در کتاب *العلل المتناهیة فی الأحادیث الواهیه*<sup>۲</sup> آن را زیر سؤال برده است (ابن جوزی، ۱۴۰۳: ۱/ ۲۶۸-۲۶۹)، به اجماع علمای امت مردود است. البته هنوز هم نویسندگانی هستند که بدون انجام تحقیق کافی حدیث ثقلین را زیر سؤال می‌برند. مثلاً مصطفی ابراهیم الزلمی در بحث پیرامون «دلایل شیعه بر حجیت اجماع اهل عترت» اساساً منکر وجود این روایت در کتب صحاح شده است:

در این باره به احادیثی استناد کرده‌اند که در کتاب صحاح اثری از آن‌ها نیست و از آن جمله این که می‌گویند رسول خدا (ص) فرمود: انی تارک فیکم الثقلین ... خبری که بدان استناد کرده‌اند، ثابت نشده و به فرض ثبوت نیز مقصود از ثقلین کتاب و سنت است، نه کتاب و عترت. برخوردار از ویژگی نسب و شرافت ربطی به اجتهاد استنباط احکام از مدارک آن‌ها ندارد (الزلمی، ۱۳۸۷: ۴۳۵-۴۳۶).

این در حالی است که سیدهاشم بحرانی در کتاب *غایة المرام* این حدیث را با ۳۹ سند از طریق اهل سنت و ۸۲ سند از طریق شیعه نقل کرده است و میرحامد حسین هندی (۱۲۶۶-۱۳۰۶ق) در کتاب *عظیم عقبات الأنوار* این اخبار را از حدود ۲۰۰ عالم اهل سنت نقل کرده که مجموعاً شش مجلد آن کتاب را دربر گرفته است. چگونه می‌توان اصل وجود روایتی را که در صحیح ترمذی و صحیح نسائی و مسند احمد و کنز العمال و مستدرک حاکم نیشابوری و دیگران نقل شده است و به تعبیر سمهودی در اسناد آن بیش از ۲۰ تن از صحابه بزرگ پیامبر خدا شرکت دارند، انکار کرد؟ حافظ بن عبدالعزیز اخضر پس از نقل این حدیث می‌گوید: «رسول خدا این حدیث را در حجة الوداع بیان فرموده است و هر کس در صحت آن تردید کند و مانند ابن جوزی آن را جعلی و دروغ بداند، راه خطا پیموده است و حتی ابن حجر هیتمی در کتاب *الصواعق المحرقة علی اهل البدع والضلال و الزندقة*<sup>۳</sup>، که اساساً کتابی در رد شیعه است، ناقلان حدیث ثقلین را توثیق و اعتبار آنان را تصدیق کرده است» (خوئی، ۱۳۹۵: ۴۹۹؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۴: ۱/ ۶۲).

۲. خطاب جهان‌شمول حدیث ثقلین: خطاب پیامبر در این حدیث خطابیه جهانی و برای همه انسان‌هاست: «یا ایها الناس». در این باره نیز اختلافی میان شیعه و اهل سنت نیست.

۳. معرفی جانشینان پیامبر اکرم (ص): حدیث ثقلین تأکید دارد که پیامبر اکرم (ص) دو چیز را جانشین پس از خود اعلام کرد: ۱. «کتاب الله»، ۲. «عترتی اهل بیتی». صرف نظر از مباحث متکلمان و فقها در باب وجوب و یا ندب امر، در «قُبْح» انجام‌ندادن امر پیامبر اکرم (ص) تردیدی نیست.

۴. دلیل بر تحریف‌ناپذیری قرآن: حدیث ثقلین یکی از دلایل روایی محکم شیعه بر تحریف‌ناپذیری قرآن است؛ زیرا وظیفه هدایت و تربیت انسان توسط قرآن با وقوع تحریف در آن زیر سؤال می‌رود (خوئی، ۱۳۹۵: ۲۱۱؛ طاهری خرم‌آبادی، ۱۳۸۷: ۱۰۶-۱۱۱). البته همین‌که قرآن خود تحریف‌ناپذیری‌اش را بیان فرموده است، برای اعتقاد هر مسلمان کافی است: «إنا نحن نزلنا الذكر و إنا له لحافظون» (حجر: ۹) و هر مسلمانی به یقین اعتقاد دارد که در کتاب‌های الهی، کتابی افضل و برتر از قرآن مجید وجود ندارد: «اللّٰه نزل أحسن الحدیث کتاباً متشابهاً» (زمر: ۲۳) و «إن هذا القرآن یهدی للّتی هی أقوم» (اسراء: ۹).

شگفت آن‌که درحالی‌که از زمره دلایل تشیع حدیث ثقلین است، که لازمه آن اعتقاد به تحریف‌ناپذیری قرآن است، محمد عبدالستار تونسوی در کتاب *بطلان عقائد الشیعة و بیان زیع معتقّیها و مفتریاتهم علی الإسلام من مراجعهم الأساسیة* مدعی است که علمای شیعه به تحریف در قرآن معتقدند و قادر نیستند حتی یک روایت صحیح از ائمه‌شان در بیان عدم تحریف قرآن بیاورند (تونسوی، ۱۴۰۳: ۴۳-۴۴).

۵. مرجعیت علمی اهل بیت رسول خدا (ص): هم‌چنین از حدیث ثقلین مرجعیت عترت پیامبر به‌عنوان یکی از دو گوهر هدایت انسان‌ها اثبات می‌شود. حتی در برخی از این اخبار اهل بیت پیامبر (ص) عالم‌ترین مسلمانان معرفی شده‌اند: «و لا تعلموهم، فإینهم أعلم منکم» (متن حدیث ثقلین در پایان این مقاله). از این رو، علمای تقریب مذاهب اسلامی کوشیده‌اند با طرح حدیث ثقلین صورت مسئله گفت‌وگو میان پیروان مذاهب اسلامی را، به‌جای بحث درباره خلافت، به بحث درباره مرجعیت علمی اهل بیت (ع) اختصاص دهند. شیوه‌ای که مورد توجه آیت‌الله العظمی بروجردی بود (واعظزاده خراسانی، ۱۳۷۷: ۱۸۹) و حتی فتوای شلتوت در جواز تعبد به مذهب شیعه، که متأثر از پذیرش حدیث ثقلین بود، دلالت بر درستی تقلید از فقهای این مذهب در فقه داشت و هرگز مسئله خلافت را در نظر نداشت (واعظزاده خراسانی، ۱۳۸۵: ۱۹).

۶. استدلال بر عصمت اهل بیت (ع): اما شیعه دو تفسیر دیگر نیز از حدیث ثقلین دارد. یکی از آن‌ها درباب استدلال بر عصمت امامان (ع) و دیگری درباب استدلال بر زنده‌بودن حضرت ولی عصر (عج) است. شیعه با استناد به حدیث ثقلین معتقد است که کسی جز معصوم نمی‌تواند به‌عنوان ثقلی در کنار قرآن مطرح شود. اگر هدایت‌گری قرآن با وقوع تحریف در آن زیر سؤال می‌رود، به همان شکل هدایت‌گری فردی غیرمعصوم نیز در معرض خدشه است؛ به‌ویژه آن‌که پیامبر اکرم (ص) تمسک به ثقلین را موجب هدایت و

دوری از ضلالت دانسته است (کاظمی قزوینی، ۱۳۹۷: ۲۰). پس اهل بیت پیامبر (ص) باید معصوم باشند و نمی‌توان از آن‌که در معرض تحریف، خطا، و معصیت است، انتظار هدایت امت را داشت: «انی تارک فیکم ما ان تمسکتهم بهما لن تضلوا بعدی».

۷. استدلال بر زنده‌بودن امام زمان (عج): هم‌چنین حدیث ثقلین از دلایل شیعه برای اثبات زنده‌بودن امام مهدی (ع) است؛ زیرا بر مبنای این حدیث اهل بیت هرگز جدا از قرآن نبوده‌اند و نخواهند بود و تا روز قیامت این دو باهم‌اند که این خود بر پیوستگی و استمرار جدایی‌ناپذیری قرآن و عترت رسول اکرم (ص) دلالت دارد: «و إنهم لن یفترقا حتی یردا علیّ الحوض». سیدمرتضی رضوی کشمیری در گفت‌وگو با عزالدین ابوالعزایم می‌گوید:

محکم‌ترین و استوارترین دلیل بر وجود امام مهدی (ع) حدیث ثقلین است که پیامبر می‌فرماید: «لن یفترقا حتی یردا علیّ الحوض». بنابراین، حضرت زنده و موجود است، زیرا قرین و همراه آن قرآن کریم است که آن نیز همواره موجود است (رضوی، ۱۳۳۲: ۴۹).

### برخی از روایات شارح حدیث ثقلین

روایات صحیح دیگری نیز موجودند که شارح حدیث ثقلین‌اند، از جمله:

۱. روایتی در صحیح بخاری به نقل از ابن عباس آمده که پیامبر (ص) فرمود: «هلم اکتب لکم کتاباً لا تضلوا بعده»، چنان‌که پیش‌تر گذشت.
۲. روایتی صحیح که به‌موجب آن پیامبر اکرم فرمود: «علی مع القرآن و القرآن مع علی لن یفترقا حتی یردا علیّ الحوض» که الفاظ و مفهوم آن به حدیث ثقلین بسیار نزدیک است (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲: ۳/۱۳۴).
۳. حدیث صحیح سفینه نوح نیز تمسک به اهل بیت پیامبر را موجب «نجات» دانسته است که بیان همان مطلب حدیث ثقلین در «دوری از ضلالت» است: «الا ان مثل اهل بیتی فیکم مثل سفینه نوح، من رکبها نجی و من تخلف عنها غرق» (فیروزآبادی، ۱۴۲۴: ۲/۶۴).
۴. در این جا باید به روایت معتبر دیگری که از روایات شارح حدیث ثقلین است، اشاره کرد که عدد اهل بیت را شمارش کرده‌اند (همان: ۲/۳۳)، چنان‌که مسلم در صحیح خود به سندش از جابر بن سمره چنین نقل می‌کند:

دخلت مع ابی علی النبی (ص) فسمعته یقول: إن هذا الامر لا ینقضی حتی یمضی فیهم إثناعشر خلیفة. قال: ثم تکلم بکلام خفی علی، قال: قلت لأبی: ما قال؟ قال: کلهم من قریش: همراه با

پدرم خدمت پیامبر (ص) رسیدم و شنیدم که آن حضرت فرمودند: این امر (دین اسلام) به پایان نرسد مگر آن زمان که دوازده خلیفه در میان آنها (امت اسلام) آمده باشند. راوی می‌گوید: سپس پیامبر سخنی را به‌آهستگی فرمودند که متوجه آن نشدم. از پدرم پرسیدم: پیامبر چه فرمودند؟ پاسخ داد: فرمودند تمامی آنان از قریش‌اند (مسلم، ۱۴۱۲: ۳/۱۴۵۲).

البته اعتقاد به عصمت امامان و نیز زنده‌بودن حضرت مهدی موعود مستند به آیات و روایات دیگری نیز هست که ورود به آن مجال دیگری می‌طلبد.

لازم به ذکر است که عقیده به مهدویت از عقاید مشترک شیعه و اهل سنت است و اختلاف اصلی میان آنان معمولاً ناشی از اختلاف اسناد روایات مهدویت و نیز تعیین مصداق برای امام زمان است (خسروشاهی، ۱۳۸۲: ۱۳)، چنان‌که شیخ عبدالعزیز بن باز (۱۳۳۰-۱۴۲۰ق)، پیشوای سلفیه حجاز در دوران معاصر، در باب اعتقاد به مهدویت می‌نویسد:

از عقاید اهل سنت و جماعت ایمان به امام مهدی است و این‌که او از نسل رسول خدا و از فرزندان فاطمه است که در آخرالزمان خروج خواهد کرد (صفار، ۲۰۰۴: ۷۵).

### مناقشات درباره حدیث ثقلین

در خاتمه، پیش از معرفی ویژگی‌های بارز کتاب حدیث الثقلین به نکته‌ای مهم در باب حدیث ثقلین اشاره می‌کنیم. مهم‌ترین مناقشه درباره حدیث ثقلین به محتوای روایت زید بن ارقم در صحیح مسلم بازمی‌گردد.<sup>۱</sup> براساس آن روایت برخی از علمای اهل سنت گمان برده‌اند که وجوب تمسک فقط به قرآن مربوط می‌شود: «فخذوا بكتاب الله تعالى و استمسکوا به» و نام‌گذاری اهل بیت به یکی از ثقلین بیش‌تر از باب بزرگ‌داشت منزلتشان بوده است و پیامبر درباره عترتش فقط سه‌بار گفته است: «أذكرکم الله فی اهل بیتی: درباره اهل بیتم خدا را به یادتان می‌آورم». در این خصوص باید به چند نکته توجه داشت:

۱. اگرچه اهل سنت در صحت همه روایات صحیحین (بخاری و مسلم) تردیدی ندارند، اما این بدان معنا نیست که جز صحیحین روایت صحیحی وجود ندارد؛ زیرا مبنای صحت روایات در نزد اهل سنت غالباً «شروط» بخاری و مسلم در صحت یک روایت است و هرکجا این شروط محقق شود، از دید اهل سنت، صحت آن روایات در حکم صحیحین است.<sup>۲</sup> بسیاری از اخبار ویژه حدیث ثقلین در حکم روایات صحیح شناخته شده‌اند. مثلاً در سنن ترمذی (باب مناقب اهل بیت النبی)، که محمد ناصرالدین الألبانی هم آن را در صحیح سنن الترمذی آورده است، از زید بن ارقم و حبیب بن ابی‌ثابت، چنین نقل شده است:

انی تارک فیکم ما ان تمسکتکم به لن تضلوا بعدی؛ أحدهما أعظم من الآخر: کتاب الله حبل ممدود من السماء الی الأرض، و عترتی اهل بیتی، و لن یفترقا حتی یردا علی الحوض، فانظروا کیف تخلفونی فیهما (ترمذی، ۱۹۹۶: ۶/۱۲۵؛ الألبانی، ۱۴۲۰: ۳/۵۴۳ - ۵۴۴).

۲. بنابراین، برای درک حدیث ثقلین باید مجموع روایات صحیح آن را در نظر گرفت. امری که و شنوی قمی در حدیث الثقلین به خوبی از پس آن برآمده است.

۳. در صورتی که روایت زید بن ارقم در صحیح مسلم با دیگر روایات صحیح حدیث ثقلین مقایسه شود انقطاع کلام در پایان آن مشهود است، به طوری که خواننده منتظر ادامه کلام می‌ماند.

۴. به لحاظ تاریخی زمان نقل روایت زید بن ارقم به دوران حکومت عبیدالله بن زیاد بازمی‌گردد که با عترت پیامبر اکرم دشمنی داشت و تا به شهادت رساندن نوه پیامبر اکرم در واقعه کربلا و اسارت خاندان نبوت پیش رفت. پس دیگر حساب صحابه رسول خدا مشخص بود. همچنین، در محتوای برخی از روایات، علاوه بر نصی که از رسول خدا نقل می‌شود، توضیحاتی کلیدی از راوی و یا راویان موجود است که برای فهم روایت باید به آن‌ها توجه کرد. زید بن ارقم پیش از بیان این روایت پیری و نسیان خود را کاملاً برجسته کرده است که در میان راویانی هم‌چون او معمول نیست.<sup>۶</sup>

مناقشه دیگر به استدلال برخی به مجموعه روایاتی بازمی‌گردد که فقط بر تمسک به قرآن یا فقط بر تمسک به سنت نبوی و یا بر تمسک به کتاب و سنت (در همه آن‌ها بدون اشاره به واژه‌های عترت یا اهل بیت پیامبر) دلالت دارند. گاه برخی به منظور نفی و یا ارائه جانشین برای روایات حدیث ثقلین به این روایات استدلال کرده‌اند، چنان‌که این کار در آثار شیخ علی سالوس، مانند رساله‌اش با عنوان حدیث الثقلین و فقهه، دیده می‌شود. همچنان‌که و شنوی در حدیث الثقلین بیان کرده است، در روایاتی دیگر واژه «سنتی» به جای واژه‌های «عترتی» یا «اهل بیتی» آمده است که دلالت بر وجوب تمسک به قرآن و سنت رسول‌الله (ص) دارد. و شنوی تأکید دارد که این دسته از روایات غیر از حدیث ثقلین اند (و شنوی، ۱۳۷۱: ۲۹).<sup>۷</sup> البته عترت رسول‌الله هرگز از سنت او جدا نبوده و نیست و از این‌جا اهمیت روایات حدیث ثقلین در «شیعه‌شناسی» دیگر فرقی اسلامی نمایان می‌شود؛ زیرا شیعیان با استناد به آن اهل بیت رسول‌الله را نیز به سنت ملحق می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱/۱۸-۱۹؛ طباطبایی، ۱۳۷۹: ۱۵).

### معرفی حدیث الثقلین

با توجه به جایگاه روایات حدیث ثقلین پژوهش‌های متعددی درباره آن انجام شده است.



از جمله می‌توان به کتاب *عقب‌ات الانوار* اشاره کرد که میرحامد حسین هندی شش جلد از آن را به حدیث تقلین اختصاص داده است. کتاب *حدیث الثقلین* نیز یکی از آثار است که به صورت فشرده و جامع به منابع، طرق روایی، و نص روایات حدیث تقلین اشاره کرده است. یکی از ویژگی‌های *حدیث الثقلین* که آن را از سایر آثار مشابه متمایز می‌کند، آن است که این کتاب در سیاق روابط تاریخی تقریب میان علمای بزرگ شیعه و اهل سنت نوشته شده است و به صورت کتابی مستقل در دارالتقریب قاهره و نیز در قالب مقاله در مجله *دارالتقریب قاهره* (س ۲، ش ۴) زیر نظر شیخ عبدالمجید سلیم (۱۲۹۹-۱۳۷۶ق) و شیخ محمود شلتوت (۱۳۱۰-۱۳۸۳ق) منتشر شده است.<sup>۸</sup> در آن زمان شیخ محمد محمد المدنی (۱۳۲۵-۱۳۸۸ق)، استاد و رئیس دانشکده شریعت دانشگاه الازهر، سردبیر آن مجله بود و مدیریت آن را شیخ عبدالعزیز عیسی (۱۳۲۵-۱۴۱۴ق)، که از اساتید برجسته الازهر بود، برعهده داشت و انتشار آن در قاهره از سوی تشکیلاتی که به اعتبار مجموعه‌ای از بزرگ‌ترین علمای معاصر الازهر و شیعه اداره می‌شد، نشان از تأیید آنان بر رساله مذکور دارد. این اثر بعدها به وسیله مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، همراه با شرحی از آیت‌الله حاج شیخ محمد واعظزاده خراسانی درباره نقش حدیث تقلین در تقریب مذاهب اسلامی، منتشر شد<sup>۹</sup> و نیز در سال ۱۳۸۹ش از سوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی مشهد به فارسی ترجمه شد.<sup>۱۰</sup> این چنین است که اثر و شنوی مبدل به یکی از اسناد مهم تقریبی شده است. واعظزاده خراسانی درباره تأثیر این کتاب می‌گوید:

حدیث *الثقلین* را مرحوم حاج شیخ قوام‌الدین و شنوی قمی با اشاره آیت‌الله بروجردی شروع کرده بود، نقل‌ها و سندهایش را جمع کرده بودند و در دارالتقریب قاهره چاپ کرده بودند ... چاپ این کتاب بر فضای آن روز جهان اسلام و حتی بر روی بنیان‌گذاران دارالتقریب (شیخ محمود شلتوت و استادش شیخ عبدالمجید سلیم) تأثیر بسیار داشت؛ مخصوصاً در زمینه توجه به مرجعیت علمی اهل بیت (ع). آیت‌الله بروجردی به این حدیث اهتمام زیادی داشت. ما حتی یک‌بار نشنیدیم که ایشان با علمای جهان اسلام حدیث غدیر را مطرح کند؛ چون حدیث غدیر مسئله خلافت بود، ولی حدیث تقلین مرجعیت علمی ائمه بود. ایشان تأکید داشتند که ما فعلاً باید روی مرجعیت علمی اهل بیت (ع) تکیه کنیم (واعظزاده خراسانی، ۱۳۷۷: ۱۸۸-۱۸۹).

### شیوه پژوهش و شنوی قمی

شیوه پژوهش قوام‌الدین و شنوی بسیار جالب توجه است. او ابتدا به معرفی مهم‌ترین

مدارک حدیث در میان کتب صحاح و سنن و مسانید و تفاسیر و تواریخ و کتب اهل ادب می‌پردازد. او به دنبال بیان جامع منابع در این زمینه نیست، بلکه می‌کوشد تا هوشمندانه، علاوه بر بیان مدارکی که صحت روایات حدیث ثقلین از دید اهل سنت را آشکار می‌سازد، خواننده را متوجه گستره وسیع بحث علمای اهل سنت درباره آن روایات از زوایای علوم قرآن و حدیث، ادبیات، و تاریخ کند، چنان‌که ادیبان و لغت‌شناسان بزرگ در ذیل واژه «الثقل» و مفسران در ذیل آیه اعتصام، یا آیه مودت و یا آیه تطهیر و مورخان در بحث درباره حجة الوداع و واقعه غدیر خم همه درباره آن سخن گفته‌اند.

برخی از منابع او عبارت‌اند از: صحیح مسلم، سنن ترمذی، سنن دارمی، خصائص نسایی، سنن ابی داود، سنن ابن ماجه، مسند احمد، مستدرک حاکم نیشابوری، ذخائر العقبی طبری، کفایة الطالب حافظ کنجی شافعی، أسد الغابۀ ابن اثیر جزری، العقد الفرید ابن عبد ربه قرطبی، الفصول المهمه ابن صباغ مالکی، تفسیر رازی، تفسیر الکشف و البیان ثعلبی، تفسیر نیشابوری، تفسیر خازن، تفسیر ابن کثیر، لسان العرب ابن منظور، القاموس مجدالدین شیرازی، و تاج العروس مرتضی زبیدی.

اما سبک روایی و شنوی از نص حدیث ثقلین در نوع خود بسیار جالب توجه است. او در بیان نص حدیث توجه بسیار خوبی به الفاظ روایات در منابع مختلف و نظم بخشیدن آن‌ها در قالب دسته‌بندی‌های مشخص دارد. مثلاً واژه به واژه روایات را از اسناد مختلف با «او» («یا» در فارسی) جدا کرده است و تا انتهای نص روایت این سبک را دنبال می‌کند. مثلاً متن زیر از نص حدیث ثقلین به روایت و شنوی است که برای برجستگی بیش‌تر الفاظ روایت شریف به جای «او» با «یا» جدا و برجسته شده است:

أیها الناس إنما أنا بشر أوشك (یا) یوشك، (یا) إني لأظن، أن أدعی فأجیب، (یا) أن یأئینی، (یا) یأتی رسول ربی، فأجیب، (یا) فأجیبه، (یا) کأنی قد دعیت فأجبت، و إنی، (یا) أنا تارک، (یا) ترکت، (یا) قد ترکت، (یا) خلفت، (یا) مخلف فیکم، الثقلین، (یا) ثقلین، (یا) أمرین، (یا) الثقلین خلیفتین، (یا) اثین، (یا) ما إن تمسکنم به، (یا) ما إن أخذتم به، (یا) ما إن اعتصمتم به، لن تضلوا بعدی، (یا) لن تضلوا أبدا، (یا) لن تضلوا، إن أتبعتموهما، (یا) و إنکم لن تضلوا بعدهما، و هما کتاب الله، و أهل بیتی عترتی، أحدهما أثقل من الآخر، و ... (و شنوی، ۱۳۷۱: ۹-۱۰).

همچنان‌که مشاهده می‌شود، سبک و شنوی به گونه‌ای است که خواننده گام‌به‌گام، با مطالعه نص حدیث، با مجموع روایات حدیث ثقلین و الفاظ مختلف آن آشنا می‌شود. به عبارت دیگر، خواننده در سیاق چنین سبکی فهمی به مراتب عمیق‌تر از مطالعه تک‌تک و

جداگانه آن روایات کسب می‌کند و افقی وسیع‌تر درباره روایات حدیث تقلین در برابر خود می‌یابد. خواننده پس از مطالعه نص حدیث تقلین به خوبی متوجه این موضوع می‌شود که نمی‌توان فقط یک روایت صحیح از روایات حدیث تقلین را اخذ کرد و به روایات صحیح دیگر بی‌توجه بود. این ابتکار در نگارش روایات حدیث تقلین یکی از هوشمندانه‌ترین شیوه‌ها برای انتقال عمق معنا و مفهوم آن روایات بوده است که مناسب با شأن گفت‌وگو و تبادل آرا میان علمای مذاهب مختلف اسلامی است. وشنوی این شیوه را با آگاهی بسیار از علم حدیث انجام داده است، چنان‌که در پایان کتاب حدیث *التقلین* یادآور می‌شود:

خدای جل و جلاله می‌داند که من در این اثر در پی جدال و عداوت نبوده‌ام و آن را تنها از باب بیدارکردن دل‌ها و دیدگان [به روایت نبوی] نوشته‌ام، چراکه مؤمن آئینه مؤمن است و مسلمانان در برابر دشمنان به مثابه دست واحدند و خداوند همه ما را از لغزش در قول و عمل مصون نگاه دارد (همان: ۲۹).

وشنوی پس از بیان حدیث تقلین به طرق متعدد آن می‌پردازد و آن را بالغ بر شصت طریق یا بیش‌تر می‌داند که تمام این طریق‌ها متفق‌اند بر نقل لفظ «کتاب و عترت»، یا «کتاب و اهل بیت» و یا «کتاب و عترت و اهل بیت» که مورد اخیر از همه بیش‌تر است (همان: ۱۲). او با ذکر نام برخی از صحابه و راویان حدیث مانند ابوسعید خدری، زیدبن ارقم، حذیفه بن اسید، خزیمه بن ثابت، سهل بن سعد، عامر بن لیلی، عبدالرحمن بن عوف، عبدالله بن عباس، عبدالله بن عمر، عدی بن حاتم، ابوذر غفاری، ام سلمه و ام‌هانیه برپایه تحقیق صاحب *عقبات الأنوار* در شناخت صحابه‌ای که آن را روایت کرده‌اند و کسانی که آن را از علما نقل و روایت کرده‌اند، به تفکیک هر قرن، از سده نخست تا سده سیزدهم، آنان را طبقه‌بندی می‌کند که تا زمان نگارش کتاب را دربر می‌گیرد.

از دیگر نکات بارز کتاب حدیث *التقلین* آن است که وشنوی سه ویژگی برای نقل اسناد حدیث تقلین از کتاب‌های علمای اهل سنت بیان کرده است که عبارت‌اند از *مُعْتَن*، متصل، و موصول بودن (همان: ۲۹). *معنعن* به سندی گفته می‌شود که در آن به لفظ «عن» از شیخ نقل می‌شود: «فلان عن فلان» و مراد از متصل آن است که سند تا انتها، بی‌آن‌که در میانه قطع شود، ادامه یابد. موصول نیز که گاه تعبیری دیگر از متصل است، سندی است که از حیث رفع و وقف متصل باشد.

علت چنین استحکامی در نقل وشنوی از روایت تقلین به واسطه اجازه روایت او از استادش، آیت‌الله العظمی سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی، بوده است (همان: ۲۹-۳۰) که

این امر بر اعتبار روایی کتاب بسیار افزوده است. به‌ویژه آن‌که کتاب حدیث الثقلین بعد از تأیید آیت‌الله العظمی بروجردی به دارالتقریب قاهره ارسال شد و امضای تأیید علمای بزرگ شیعه و اهل سنت بر آن، به‌لحاظ تاریخی، اهمیت دارد. سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی، علاوه بر اجازه‌های بسیاری که از علمای مذهب شیعه امامیه داشت، اجازه‌های فراوانی از علمای مذاهب اسلامی دیگر (حنبلی، حنفی، شافعی، مالکی، زیدی، و حتی اسماعیلی) داشت. این امر نشان از روحیه تقریبی مرعشی نجفی و نیز آن علمای گرامی اهل سنت دارد. در این جا برخی از علمای مذاهب اسلامی دیگر را که به او اجازه روایت داده‌اند و اعتباری بر نگارش این اثر شده‌اند، نام می‌بریم:

برخی از علمای اهل سنت عبارت‌اند از: شیخ یوسف رجوی مصری، شیخ محمدنجیب حنفی، شیخ محمدبهجت بیطار دمشقی، سید یاسین حنفی، سید ابراهیم اهول حضرمی، سید عبدالحی مغربی، شیخ داود زبیدی یمانی، مولوی کفایت‌الله دهلوی هندی، مولوی سراج‌الدین قندهاری، ضیاء‌الدین افندی اسلامبولی، قاضی بهجت بهلول افندی، سید ابراهیم رفاعی، شیخ عبدالسلام کردی، سید علوی حداد، سیدعلی خطیب نجف، شیخ ابراهیم جبالی مصری.

و برخی از علمای مذهب زیدی عبارت‌اند از: سید امام یحیی بن حمیدالدین حسنی یمانی، سید محمد بن زیاره، قاضی حسین عمری، سید جمال‌الدین احمد لوکباری زیدی، سید محمد بن عقیل حضرمی، سیدعلی سید محمد حضرمی، شیخ عبدالواسع واسعی یمانی زیدی.

و از علمای اسماعیلی نیز می‌توان به سید محمد هندی و سید سیف‌الدین طاهر اشاره کرد (باقری بیدهندی، ۱۳۶۹: ۷۱-۷۲).

### نص حدیث ثقلین به تحقیق و شنوی قمی<sup>۱۱</sup>

أيها الناس إنما أنا بشر أوشك، أو يوشك، أو إني لأظن، أن أدعي فأجيب، أو أن يأتيني، أو يأتني رسول ربي، فأجيب، أو فأجيبه، أو كأني قد دعيت فأجبت، و إني، أو أنا تارك، أو تركت، أو قد تركت، أو خلفت، أو مخلف فيكم، الثقلين، أو ثقلين، أو أمرين، أو الثقلين خليفتين، أو اثنتين، أو ما إن تمسكنم به، أو ما إن أخذتم به، أو ما إن اعتصمتم به، لن تضلوا بعدى، أو لن تضلوا أبداً، أو لن تضلوا، إن اتبعتموهما، أو وإنكم لن تضلوا بعدهما، و هما كتاب الله، و أهل بيتي عترتي، أحدهما أنقل من الآخر، أو كتاب الله، حبل ممدود، أو كتاب الله فيه الهدى و النور، أو الصدق، أو كتاب ربي

وعترتى أهل بيتى، أو وعترتى و هم أهل بيتى، أو وعترتى أهل بيتى و قرابتى، أو أهل بيتى، أو نسبى، و إنهما لن يفترقا، أو لن يفترقا، أو أن لا يفترقا، أو إنهما لقرينان لن يفترقا، حتى يردا علىّ الحوض، فانظروا، أو فاتقوا الله، وانظروا كيف تخلفونى، أو تحفظونى فيهما، أو فانظروا كيف تلحقوا بى فيهما، أو بم، أو بما، أو ماذا، أو ما تخلفونى فيهما، أو إن اللطيف الخبير أخبرنى، أو نبأنى، أو أنبأنى، أنهما لن يفترقا حتى يلقياى، سألت ذلك ربى فأعطانى، فلا تسبقوهم فتهلكوا، و لا تعلموهم فإنهم أعلم منكم، أو فاستمسكوا بهما و لا تضلوا، أو إنهما لن ينقضيا حتى يردا علىّ الحوض، أو سألتهما ربى فوعدنى أن يوردهما علىّ الحوض، أو سألته ذلك لهما و الحوض عرضه ما بين بصرى إلى صنعاء، فيه من الآنية عدد الكواكب، أو إن اللطيف الخبير عهد إلىّ أنهما لن يفترقا حتى يردا علىّ الحوض كهاتين، و أشار بالسبابتين، أو إني فرطكم، و إنكم تبعى، و توشكون أن تردوا علىّ الحوض، و أسألکم، أو سائلکم، حين تلقونى عن تقلى، أو إني سائلکم حين تردون علىّ عن الثقلين: كيف خلفتمونى فيهما، أو و إن الله سائلى و سائلکم فماذا أنتم قائلون، أو إني لكم فرط، و إنكم واردون علىّ الحوض فانظروا كيف تخلفونى فى الثقلين، قيل، أو قلنا، أو قالوا، و ما الثقلان؟ قال صلى الله عليه و آله و سلم: كتاب الله طرفه بيد الله، و طرفه بأيديكم، أو قال، الأكبر، أو الثقل الأكبر، أو أولهما، أو أحدهما، كتاب الله، و الأصغر، أو الثقل الأصغر، أو و الآخر عترتى، فمن استقبل قبلتى، و أجاب دعوتى. فليستوص بهما خيراً، أو أوصيكم بكتاب الله و عترتى، أو حسبكم كتاب الله و عترتى، أحدهما أعظم من الآخر، أو قال إني سائلکم عن اثنين: عن القرآن و عن عترتى، أو إن الله سائلکم كيف خلفتمونى فى كتابه و أهل بيتى، أو إني تارك فيكم ما إن تمسكنم به لن تضلوا، أو ما إن أخذتم به لن تضلوا بعدى: أمرين أحدهما أكبر من الآخر، سبب موصول من السماء إلى الأرض، أو إني تارك فيكم الثقلين خلفى: كتاب الله و عترتى، أو قد تركت فيكم ما لم تضلوا بعده، أو إني تركت فيكم الثقلين، الثقل الأكبر و الثقل الأصغر، و أما الثقل الأكبر فبيد الله طرفه و الطرف الآخر بأيديكم، و هو كتاب الله، إن تمسكنم به لن تضلوا و لن تذلوا أبداً، أو فاستمسكوا به فلا تضلوا، و لا تبدلوا، أو فتمسكوا به لن تزالوا و لن تضلوا، و أما الثقل الأصغر فعترتى أهل بيتى، أو ألا و عترتى، أو أذكرکم الله فى أهل بيتى، قالها مرة، أو مرتين، أو ثلاث مرات، أو إن الله عز و جل أوحى إلىّ أنى مقبوض، أقول لكم قولاً إن عملتم به نجوتم، و إن تركتموه هلكنم، إن أهل بيتى و عترتى هم خاصتى و حامتى، و إنكم مسؤولون عن الثقلين: كتاب الله و عترتى، إن تمسكنم بهما لن تضلوا، أو إنكم لن تضلوا إن اتبعتم و استمسكنم بهما، أو إني تارك فيكم كتاب الله و عترتى أهل بيتى، فهما خليفتان بعدى، أحدهما أكبر من الآخر، أو إني تارك فيكم الثقلين: كلام الله و عترتى، ألا فتمسكوا بهما، فإنهما حبلان لا ينقطعان إلى يوم القيامة.

و قال: أيها الناس يوشك أن أقبض قبضا سريعا فينطلق بي و قد قدمت إليكم القول معذرة إليكم، ألا إنني مخلف فيكم كتاب ربي عز و جل و عترتي أهل بيتي، ثم أخذ بيد عليّ فقال هذا عليّ مع القرآن، و القرآن مع عليّ لا يفترقان حتى يردا عليّ الحوض، فأسالهما ما خلفت فيهما (و شنوی قمی، ۱۳۷۱: ۹-۱۲).

### نتیجه گیری

۱. روایات صحیح مشترک بسیاری در جوامع روایی شیعه و اهل سنت موجود است که می‌تواند در آرمان تقریب مذاهب اسلامی مطرح شود. از این رو، عالمان هر مذهب باید بر جوامع روایی یکدیگر و اصول و قواعد حاکم بر آن مسلط باشند.

۲. برخی از دلایل اهمیت اخبار ثقلین عبارت‌اند از:

- وجود اجماع بر سر صحت اسناد حدیث ثقلین میان شیعه و اهل سنت.
- خطاب جهان‌شمول حدیث ثقلین.
- محتوای ارزش‌مند: معرفی جانشینان پیامبر اکرم (ص).
- دلیل بر تحریف‌ناپذیری قرآن.
- مرجعیت علمی اهل بیت رسول خدا (ص).
- استدلال بر عصمت اهل بیت (ع).
- استدلال بر زنده‌بودن امام زمان (عج).

این ویژگی‌ها هم در باب شناخت اختصاصات اعتقادی شیعه (مانند عصمت اهل بیت و زنده‌بودن امام زمان) و هم در باب ایجاد گفت‌وگو و و هم‌دلی بر پایه اهل بیت میان علمای مذاهب اسلامی اهمیت دارد.

۳. مهم‌ترین مناقشات درباره حدیث ثقلین عبارت بوده‌اند از:

- خلط میان روایات حدیث ثقلین با اخباری که دلالت بر تمسک به قرآن، و یا سنت رسول اکرم (ص) به تنهایی دارند. و شنوی قمی معتقد است که باید آن‌ها را از هم تفکیک کرد و برخی دیگر نیز معتقدند که روایات مذکور، برخلاف اخبار ویژه حدیث ثقلین، از لحاظ سند و ثبوت کافی ندارند.

- بیان این که وجوب تمسک تنها محدود به قرآن است. این مدعا بر پایه محتوای حدیث زید بن ارقم در صحیح مسلم ابراز شده است.

۴. مطالعه پژوهش قوام‌الدین و شنوی به‌خوبی نشان می‌دهد که برای درک حدیث ثقلین باید مجموع روایات صحیح آن را در نظر گرفت.
۵. دیگر ویژگی برجسته کار و شنوی قمی آن است که به الفاظ مختلف یا مترادفی که در یک موضوع در روایات مختلف به‌کار رفته است، توجه درخوری داشته است.
۶. آثاری از قبیل حدیث الثقلین که در بستر تاریخی روابط تقریب میان مذاهب مختلف اسلامی نوشته شده‌اند، باید به‌صورتی قابل رجوع بایگانی شوند و در تجارب زنده مسلمانان حضور داشته باشند، به‌ویژه آن‌که پژوهش او مورد توجه بزرگ‌ترین علمای تقریبی دورانش بوده است.

### پی‌نوشت

۱. قوام‌الدین محمد و شنوی قمی (۱۳۲۵-۱۴۱۸ق) در روستای وشنوه، از توابع شهر قم، به‌دنيا آمد. پیش‌تر تحصیلات حوزوی خود را در قم گذراند و چندسالی را نیز در نجف به تحصیل معارف دینی پرداخت و در آن‌جا از محضر اساتیدی چون شیخ مرتضی طالقانی نجفی (۱۲۷۴-۱۳۶۳ق) بهره برد. او در سطوح عالی فقه و اصول از شاگردان آیات عظام سیدحسین بروجردی (۱۲۹۲-۱۳۸۰ق)، سیدمحمدحجت کوه‌کمری (۱۳۱۰-۱۳۷۲ق) و سیدمحمدتقی خوانساری (۱۳۰۵-۱۳۷۱ق) بود و بیش از همه در محضر سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی (۱۳۱۵-۱۴۱۱ق) تلمذ کرد و زیر نظر او سال‌های سال در تدوین *ملحقات احقاق الحق* فعالیت کرد. هم‌چنین برخی از آثار او به دستور آیت‌الله العظمی بروجردی نوشته شده است که از آن جمله می‌توان به *حیاه النبی و سیره*، در سه جلد، و حدیث *الثقلین* اشاره کرد که هر دو کتاب بر پایه منابع معتبر در نزد اهل سنت نوشته شده است. از دیگر آثار او عبارت‌اند از: *اهل‌البيت و آیه المباهلة، النور الساطع فی احوال مولانا الامام الصادق (ع)*، *الحدیث المتواتر فی غزوة خیبر، اصحاب رسول الثقلین فی حرب الصفین، فضائل امیرالمؤمنین علی (ع) من کتاب المسند (احمد بن حنبل)*، *الحجاب فی الاسلام*. این عالم وارسته پس از عمری مجاهدت در ۹۲ سالگی از دنیا رفت و در صحن حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (س) به خاک سپرده شد.
۲. توجه شود که ابن جوزی در اثر یادشده فقط به یکی از روایات حدیث ثقلین اشاره کرده است.
۳. ابن حجر هیتمی (د ۹۷۴ق) کتاب *الصواعق المحرقة* را در ۹۵۰ق نوشت که در رد عقاید شیعه است و چنان‌که خود اشاره دارد واکنشی در برابر ازدیاد شیعیان در دوران‌ش بود. در پاسخ به آن کتاب قاضی نورالله شوشتری کتاب *الصوارم المهرقة* را نوشته است و چنان‌که سیدعبدالعزیز طباطبایی اشاره دارد، احمد بن محمد بن لقمان (د ۱۰۲۹ق) کتاب *البحار المعرقة* را در رد ابن حجر نوشته است که آن

- را شوکانی در جلد ۱ *البدر الطالع* صفحه ۱۱۸ آورده است. سیدامیر محمد کاظمی قزوینی (د ۱۴۱۴ ق/ ۱۳۷۳ ش) نیز رساله‌ای با عنوان *تقض کتاب الصواعق المحرقة لابن حجر* دارد.
۴. متن روایت زید بن ارقم در صحیح مسلم چنین است: أما بعد، ألا أيها الناس، فإنما أنا بشر يوشك أن يأتي رسول ربي عزوجل فأجيب؛ و انا تارك فيكم ثقلين: أولهما كتاب الله عزوجل فيه الهدى والنور فخذوا بكتاب الله تعالى و استمسكوا به، فحث على كتاب الله ورغب فيه، ثم قال: و أهل بيتي أذكركم الله في أهل بيتي أذكركم الله في أهل بيتي أذكركم الله في أهل بيتي (مسلم، ۱۴۱۲: ۱/ ۴/ ۱۸۷۳).
۵. این دو کتاب که در اصطلاح علم حدیث صحیحین نامیده شده‌اند، نزد علمای اهل سنت به عنوان مرجع صحت روایت درآمده‌اند. چنان‌که حدیث صحیح را بر هفت قسم دانسته‌اند که به ترتیب درجه صحت عبارت‌اند از: ۱. آنچه بخاری و مسلم هر دو در صحیحین آورده‌اند؛ ۲. آنچه فقط بخاری در صحیح خود آورده است؛ ۳. آنچه فقط مسلم در صحیح خود آورده است؛ ۴. آنچه مطابق شرط هر دو است، ولی در صحیحین نیامده است؛ ۵. آنچه فقط مطابق شرط بخاری است ولی در صحیح وی نیامده است؛ ۶. آنچه مطابق شرط مسلم است ولی در صحیح وی نیامده است؛ ۷. آنچه دیگران (غیر بخاری و مسلم) صحیح دانسته‌اند ولی فاقد شرطی از شروط آنهاست (زوین، ۱۹۸۶: ۴۵).
۶. سخن زید بن ارقم مندرج در ذیل حدیث ۲۴۰۸ صحیح مسلم (کتاب فضائل الصحابة رض، باب فضائل علی بن ابی طالب) چنین است: «یا ابن أخي، و الله لقد كبرت سني، و قدم عهدي، و نسيت بعض الذي كنت أعمى من رسول الله (ص) فما حدثتكم فاقبلوا، و ما لا فلا تكلفوني» (مسلم، ۱۴۱۲: ۴/ ۱۸۷۳).
۷. برخی از محققان آن دسته از روایاتی را که فقط بر تمسک به قرآن و یا فقط بر تمسک به سنت نبوی دلالت دارند و نیز روایاتی را که بر تمسک به کتاب و سنت (بدون اشاره به عترت یا اهل بیت پیامبر) دلالت دارند، برخلاف اخبار ویژه حدیث ثقلین، روایاتی ضعیف دانسته‌اند (الحسینی، ۱۴۳۲: ۱۵۵).
۸. عناوین مهم‌ترین آثار منتشر شده به وسیله دارالتقريب قاهره در آن سال‌ها عبارت‌اند از: *الحجج علی المذاهب، مختصر النافع* اثر ابی القاسم نجم‌الدین جعفر بن حسن حلی (د ۶۷۶ ق)، *تذكرة الفقهاء* اثر علامه حلی (د ۷۲۶ ق)، *وسائل الشیعه* اثر محمد بن حسن حر عاملی، و *تفسیر مجمع البیان* اثر ابوالفضل بن حسن طبرسی.
۹. و شنوی قمی، قوام‌الدین محمد (۱۴۱۶ ق). *حدیث الثقلین*، شرح محمد واعظ‌زاده خراسانی، تهران: المجمع العالمی للتقريب بین المذاهب الاسلامیة، معاونیة شؤون الاعلام.
۱۰. و شنوی قمی، قوام‌الدین محمد (۱۳۸۹ ش). *حدیث الثقلین*، ترجمه محمد تقدیمی صابری، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۱۱. چنان‌که گفته شد، و شنوی قمی به تفصیل به منابع مورد استفاده‌اش در *حدیث الثقلین* اشاره کرده است (و شنوی قمی، ۱۳۷۱: ۶-۹).



## منابع

قرآن کریم.

- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۰۳ق). *العلل المتناهیة فی الأحادیث الواهية*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- الألبانی، محمد ناصرالدین (۱۴۲۰ق). *صحیح سنن الترمذی*، ریاض: مکتبة المعارف للنشر و التوزیع.
- باقری بیدهندی، ناصر (۱۳۶۹ش). «نجوم امت»، فصلنامه نور علم، ش ۳۷.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۰ق). *الجامع الصحیح*، تحقیق محب‌الدین الخطیب و محمد فؤاد عبدالباقی، قاهره: المکتبة السلفية.
- ترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی (۱۹۹۶م). *الجامع الکبیر*، تحقیق بشار عواد معروف، بیروت: دارالغرب الاسلامی.
- تونسوی، محمد عبدالستار (۱۴۰۳ق). *بطلان عقائد الشیعة و بیان زیغ معتنقها و مفترياتهم علی الإسلام من مراجعهم الأساسية*، مکه: المکتبة الامدادیة.
- حاکم نیشابوری (۱۴۲۲ق). *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- الحسینی، سیدراضی (۱۴۳۲ق). *مرجعیت اهل البیت فی ضوء حدیث الثقلین*، قم: المجمع العالمی لأهل البیت.
- خسروشاهی، سیدهادی (۱۳۸۲ش). *مصلح جهانی از دیدگاه شیعه و اهل سنت*، تهران: اطلاعات.
- خوئی، سیدابوالقاسم (۱۳۹۵ق). *البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالزهراء للطباعة و النشر و التوزیع.
- رضوی، سیدمرتضی (۱۳۶۲ش). *گفت و شنود با مردان اندیشه در قاهره*، ترجمه ابوذر بیدار، تهران: مکتبة النجاح.
- الزلمی، مصطفی ابراهیم (۱۳۸۷ش). *خاصتگاه‌های اختلاف در فقه مذاهب*، ترجمه حسین صابری، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- زوین، علی (۱۹۸۶م). *معجم مصطلحات توثیق الحدیث*، بیروت: عالم الکتب، مکتبة النهضة العربیة.
- صفار، حسن موسی (۲۰۰۴م). *کیف تقرأ الآخر؟*، بیروت: الدار العربیة للعلوم.
- طاهری خرم‌آبادی، سیدحسن (۱۳۸۷ش). *عدم تحریف قرآن*، قم: بوستان کتاب.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۳ش). *تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۹ش). *قرآن در اسلام از دیدگاه تشیع*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- فیروزآبادی، سیدمرتضی (۱۴۲۴ق). *فضائل الخمسة من الصحاح الستة*، قم: فیروزآبادی.
- کاظمی قزوینی، سیدامیرمحمد (۱۳۹۷ق). *الشیعة فی عقائدهم و احکامهم*، بیروت: دارالزهراء للطباعة و النشر و التوزیع.
- مسلم، ابوالحسین مسلم بن الحجاج (۱۴۱۲ق). *صحیح مسلم*، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دار احیاء الکتب العربیة.
- واعظزاده خراسانی، محمد (۱۳۷۷ش). «گفت‌وگو با استاد محمد واعظزاده خراسانی»، فصلنامه علوم حدیث، ش ۹.
- واعظزاده خراسانی، محمد (۱۳۸۵ش). «نقش "حدیث ثقلین" در تقریب مذاهب اسلامی»، به مناسبت برپایی کنفرانس «نقش تقریب در وحدت امت اسلامی» در قطر، رسالت، ش ۶۰۶۸.
- وشنوی قمی، قوام‌الدین محمد (۱۳۷۱ق). *حدیث الثقلین*، قاهره: دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیة.